

یادداشت روز

آیا خوشحال باید بود؟



علی فرامرزى

● درگیر شک و تردیدشدن و سرگردانی بین خوشحال‌بودن یا نبودن بخشی از تضادهای مردمانی است که از یک سو در معرض اخبار رویدادها قرار می‌گیرند و از دیگر سو از دلایل آنچه در حال وقوع است به‌درستی و به‌قدر کفایت مطلع نیستند. طبقات فرهنگی در شرایطی که تعریف درستی از جایگاهشان وجود ندارد و به‌درستی نمی‌دانند چه کسانی، چگونه و با چه تفکری برای سرنوشت و آآژشان تصمیم می‌گیرند، بیش از سایر اقشار جامعه با این احساس‌های دوگانه دست‌به‌گریان‌اند. نبود تعریف روشن و قانونمندی از جایگاه اجتماعی طبقه فرهنگی و خصوصا هنرمندان و وجود هرروزه تضاد و چندگانگی در برخورد با این طبقه نه فقط در عرصه‌های اجتماعی نمود دارد که به‌طور طبیعی در بخش‌های اقتصادی، تخصیص بودجه‌های فرهنگی و سرمایه‌گذاری در این بخش نیز به‌خوبی خود را نشان داده و می‌دهد. یکی از نشانه‌های آن مقدار بودجه‌ای است که هرساله به وزارتخانه متولی فرهنگ و هنر تعلق می‌گیرد که کمترین بودجه‌ای است که به یک وزارتخانه اختصاص داده می‌شود. در تعاریف جامعه‌شناسی قشر فرهنگی را جزء طبقه متوسط جامعه تعریف می‌کنند. همان طبقه‌ای که در نبود عدالت اقتصادی و بیشترشدن شکاف طبقاتی بالاترین صدمه و لطمه را خواهند خورد. اتفاق توافق هسته‌ای و تا حدی پایان‌یافتن سرنوشت این موضوع و تأثیر آن بر حال‌وهوا و احساس شادی نسبی را می‌توان در چهره و برخورد مردم به‌راحتی دید و علت آن را نیز درک کرد. شکی نیست که بخشی از این خرسندی به‌خاطر امیدی است که ممکن است به‌دلیل کشایش‌های اقتصادی و رفاهی، آزادشدن دارایی‌ها و آمدن پول‌های بلوکه‌شده ایران و همچنین رونق اقتصادی در صنعت و تجارت باشد. اما آنچه در این بین باید طبقات متوسط جامعه را به فکر وادارد این است که آیا تزریق این پول‌ها در شرایط ناسالم‌بودن اقتصاد و بهره‌مندی درصد کمی از جامعه از توانایی‌های اقتصادی و بالارفتن نقدبنگی می‌تواند به خیر و صلاح طبقه متوسط جامعه خصوصا قشر فرهنگی و هنرمندان آن باشد؟ اگر آمدن این دارایی‌ها به چرخه اقتصادی باعث دامن‌زدن هرچه‌بیشتر به اختلاف طبقاتی شود که در شرایط موجود امکان آن بسیار است، آیا هنوز باید خوشحال بود یا به ورطه شک و تردید درافتاد؟ شکاف طبقاتی یعنی پیوستن هرچه‌بیشتر قشر متوسط به طبقه فرودست جامعه و درنتیجه پایین‌آمدن و کندشدن چرخه اقتصاد هنر، اگر قرار باشد در بر همان پاشنه بچرخد و همچنان عده قلیلی از سرمایه‌های آزادشده بهره‌مند شوند، به‌راستی قشر فرهنگی و هنرمندان هنوز هم از توافق بیداری خود کنند تا شاید آنان مجبور شوند فکری به حال اقتصاد بخش فرهنگی کنند و انجمن‌ها نیز در آینده جوابی در برابر تاریخ داشته باشند. درنگ‌کردن حساسیت این شرایط خاص می‌تواند بعدها حسرت بزرگی را بر دل اهل فرهنگ بنشاند.

خبرسازان

افشاگری سهراب پورناظری درموردیک سرقت هنری

● سهراب پورناظری در مراسم رونمایی از آلبوم «شبگرد کولی‌باده»، از سرقت یکی از آثارش از سیوی مدیر سابق دفتر موسیقی خبر داد. به گزارش خبرآنلاین، پورناظری در مراسم رونمایی از آلبوم جدید خود که یکشنبه چهارم مرداد در تالار وحدت برگزار شد، گفت: «دو سال قبل نامه‌ای را خطاب به پیروز ارجمند در اوایل دوران ریاست‌جمهوری آقای روحانی منتشر کردم. او ادامه داد: «در سال ۹۸ یا ۹۰ برای برگزاری کنسرتی به‌همراه برادرم و علیرضا قربانی قصد داشتیم به آمریکا برویم، اما در لحظه آخر مشکلی برای تهمورس پیش آمد و من و آقای قربانی مجبور شدیم دونفری برویم و کنسرت را برگزار کنیم. روزی یکی از دوستان نوازنده را به ما معرفی کردند به نام روییک آروزیان که ایشان نوازنده ساز دودوک هستند. بعد از آن، من آقای آروزیان را دعوت کردم به استودیو بیابند و آلبوم «شبگرد کولی‌باده» ضبط شد اما من برای انتشار آلبوم دست نگه داشتم تا زمان مناسب برای انتشار این اثر برسد». این آهنگ‌ساز افزود: «من نسخه‌ای را جهت تمرین به هنرخواهم دادم. بعد از مدتی یکی از دوستانم با من تماس گرفت و گفت کاری که هنوز منتشر نشده روی یک تله‌فیلم پخش شده است و آهنگ‌سازش آقای پیروز ارجمند است. آقای مرادخانی، آقای پیروز ارجمند را برای سمت رئیس دفتر موسیقی انتخاب کردند و من این مسئله را در آن زمان در میان گذاشتم و یکی از دلایلی که سه ماه زمان گذشت تا آقای ارجمند برای این پست معرفی شوند، همین دلیل بود.»

رضا آشفته؛عباس جوانمرد پس از گذشت نیم‌قرن از تأسیس و راه‌اندازی تالار سنگلج (۲۵ شهریور) آمده بود که در شامگاه شنبه سوم مرداد گزارشی از حال‌وهوای این تالار، اجراها و آدم‌هایش بدهد. مشتاقان زیادی از نام‌آوران و جوانان جویای نام در این محفل گرد آمده بودند که این فرصت را غنیمت بشمارند و استاد و پیرتاتر ایران را از نزدیک دیدار کنند. بهژاد فراهانی، محمد ابراهیمیان، حسین پرسنار، مهدی شفیعی، علی عابدی، محمد رحمانیان، محمد پرومند، محمد ساریان، شکرخدا گودرزی، اتابک نادری، حسن باستانی و دیگران پای دل‌واژه‌های عباس جوانمرد نشستند و لحناتی هم پرسش‌هایی را مطرح کردند که باز هم انگیزه بدهند به این پیش‌گوست تئاتر که تا می‌تواند از گذشته‌ها بگوید اما او از پیماری و خستگی زودهنگام رنج می‌برد و از سوی دیگر دلش نمی‌آمد که محفل سرد باشد. عباس جوانمرد فعالیت خودش را در زمینه راه‌اندازی شش گروه فعال تئاتری به سرپرستی جعفر والی، رکن‌الدین خسروی، دیلمقانی، علی نصیریان، داوود رشیدی و خودش برای اجرای تئاتر در تلویزیون شبکه سوم (ثابت پاسال) در اواخر دهه ۳۰ خورشیدی، بسیار مهم‌تر از اجراهای موفق تئاتری‌اش در تالارهایی مثل فارابی و سنگلج تلقی می‌کرد؛ به این دلیل که در این چهارشنبه‌شب‌ها مردم تهران ساعت ۹ شب به هوای دیدن تئاتر خیابان‌ها را خالی می‌کردند و این عادت به تئاتر دیدن از تلویزیون، موجب بالارفتن میزان تماشاگران و مخاطبان تئاتری شد که از نزدیک می‌خواستند تجربه تئاتر دیدن را داشته باشند. بنابراین هواخواه‌شدن مردم برای تماشای تئاتر موجب شد که مهرداد پهلبد، وزیر فرهنگ وقت، به مهندس باباییان دستور ساخت همین تالار سنگلج را بدهد که درواقع از دهم مهرماه ۱۳۴۴ با برگزاری اولین جشنواره نمایش‌های ایرانی و با حضور ۱۰ نمایش از نویسندگان جوان و کارگردانان جویای نام افتتاح شد.

شرق: درباره عباس جوانمرد و دو اجرای ممتاز عروسی‌ک‌اش در دهه‌ی ۴۰ خورشیدی که در دهه‌ی ۹۰ میلادی در تورتو مجددا اجرا شدند با جعفر والی، از هم‌سلاشان، گفت‌وگو کرده‌ایم که به انگیزه این رویداد مهم که در سنگلج اتفاق افتاده، مروری بر این دوره طلایی داشته باشیم.

✎ جناب والی آیا شما دو اجرای «غروب در دیار غربی» و «قصه ماه پنهان» را که جناب جوانمرد برای بار دوم کار کرده بودند، به‌عنوان آخرین اجراهای نمایشی‌اش دیده بودید؟

نه متأسفانه!

✎ در تهران چه؟

بله...

✎ برای اولین‌بار از تلویزیون پخش شده بود یا در سنگلج اجرا شده بود؟

✎ چگونه اجرایی بود؟

استقبال خیلی خوب بود چون نمایشی منطقی بود و قصه قشنگی داشت و دو بازیگرش به چشم می‌آمدند. هم حسین کسبیان و هم نصرت پرتوی بازی‌شان در چشم بود. خود عباس جوانمرد هم با دو حالت ماسک و صورت خودش نقش پهلوان را بازی می‌کرد. این اجراها بسیار درست و تمیز بود و خیلی تأثیرش ماندگار شد چون خیلی نوآورانه بود.

تالار ۵۰ ساله میزبان خالق «پهلوان اکبر می‌میرد»

سایه ماندگار سنگلج

او می‌دانست که اگر تلویزیون تئاتر تولید و پخش نمی‌کرد، تئاتر سنگلجی هم شکل نمی‌گرفت هرچند در آن زمان، این تولیدات باید هر هفته به‌مدت یک‌ساعت از مقابل دوربین و به شکل زنده پخش شود و حتی امکانات در حدی نبود که بشود آنها را ضبط کرد. به‌رتقدیر این تئاترها سر‌آغازی شد برای رشد و شکوفایی تئاتر که امروز از دهه ۴۰ به‌عنوان عصر طلایی یاد می‌کنند و در آن نویسندگانی چون بهرام بیضایی، غلامحسین ساعدی و اکبر رادی قلم زده‌اند و همچنین کارگردانان و بازیگرانی چون عباس جوانمرد، جعفر والی، داوود رشیدی، عباس موحّد دیلمقانی، رکن‌الدین خسروی، عزت‌الله انتظامی، علی نصیریان و... صاحب نگاه و اعتبار هنری شده‌اند. عباس جوانمرد از تالار سنگلج به عنوان بهترین و استانداردترین سالن تئاتر در سراسر ایران یاد کرد که در همان زمان نیز از سویی وزیر فرهنگ وقت موظف بود بر کار مهندسان و معماران ساختمانی نظارت کند که اگر کم و کسری هم در آن باشد به‌گردش خواهد بود. او هم در دیدار از ساختمان درحال‌تأسیس به دو ستونی که پیش‌روی صحنه‌اند می‌رسد که می‌بیند ۴۵ ساتی‌متر جولتر از حد معمول‌اند و همچنین عمق صحنه کمتر از حد متعارفش است، برای همین از مهندس ناظر، آقای جواهریان می‌خواهد که دوباره حتی سقف و ستون‌ها را بردارند و آن را به شکل درستش اجرا کنند. آنان که پیگیری‌ها را جدی دیدند، انجام وظیفه کردند و نتیجه سعی‌شان این شد که در نهایت تالار سنگلج به شکل بهتری ساخته شود. تالاری که نیم‌قرن است با هدف نمایش‌های ایرانی همواره سکان‌دار چنین مضمون و شکلی بوده و به تئاتر کشورمان هویتی اصیل داده است؛ چنانچه در آن بلبل سرگشته و غروب در دیار غربی و پهلوان اکبر و امثالهم به کارگردانی جوانمرد کار شده است. همچنین والی در آن «جوب‌به‌دست‌های ورزیل»، آی واکلاهِ و آی یکه‌ و دیگر متون ساعدی را اجرا کرده است.

جعفر والی از خاطرات مشترکش با عباس جوانمرد می‌گوید

تئاتری‌های متعصب



جعفر والی در سال ۱۳۷۱

✎ الان طوری درباره آن نمایش با شوق و ذوق می‌گوید که انگار همین دیشب به تماشایش رفته‌اید؟

بله. چون از آنها خیلی خوشم آمد و همچنین به یاد دارم که گوینده‌اش مرحوم جمشید لایق بود که خیلی فوق‌العاده در آتجا حضور داشت. همچنین جوانمرد با نور و صدا کاری نوآورانه کرد. در آتجا سایه‌هایی در تئاتر به کار گرفته شده بود که در بگ‌راند عروسک‌هایی شبیه آدم شکل می‌گرفت که واقعا به دل می‌نشست.

✎ آیا چنین حرکت‌های تجربی و خلاقانه‌ای بعدها هم توسط دیگران تکرار شد؟

نه! به‌هیچ‌وجه تکرار نشد چون دیگر نه آن محتوا و قصه بود و نه دیگر آن شور کاری وجود داشت.

✎ چرا آن دوره را عصر طلایی می‌دانند و افرادی مثل شما چه کرده‌اید که همچنان به نیکی و زیبایی از آن یاد می‌شوید؟

به‌رحال دورانی بوده که افرادی مثل بیضایی و

از رادی هم افول، لبخند باشکوه آقای گیل و هملت با سالاد فصل در آن اجرا شده است و نمونه‌های درخشان دیگری چون «هزار شلاق» کار احسان ملکی و «جیجک علیشاه» به قلم ذبیح بهروز و کار رحمت امینی تا امروز در آن اجرا شده است. کارگردانی عباس جوانمرد به تأیید بسیاری از منتقدان و اهل هنر رسیده و او همچنان یکی از قله‌های تئاتر ایران است که راهش را بسیاری ادامه می‌دهند. او که سرپرست گروه هنر ملی است، این روزهایش به تماشاش و نقد آثار جوانان وطن می‌گذرد هرچند فروتنانه معتقد است می‌رود که از جوانان بیاموزد. همچنین اصرار می‌ورزد که در کتابی که به‌تازگی قرار است درباره‌اش منتشر شود، به عقب برگشته و به کمبودها و نداشته‌ها و ضعف‌هایش پرداخته است.

این شب خاطره‌برانگیز که با اجرای محسن حسن‌زاده رقم خورده است، با پذیرایی و صحنه‌های دیدار و عکس و گفت‌وگو با عباس جوانمرد در سالن انتظار تماشاخانه ادامه یافت. همه خاطرات و نظراتی دارند که باید با پیر تئاتر ایران در میان بگذارند که دارد هشتادوشم‌شین سال عمرش را سپری می‌کند. همه خوانان این هستند که سله‌پاش بر سر تئاتر ایران مستدام باشد. او اما به‌شوخ می‌گوید که پدر و مادرهای ما در کودکی دعا می‌ایم می‌کردند که ان‌شا‌الله پیر شوی و این بدترین نفرین بود، چون که پیری سخت است!

هنر باشیم. متأسفانه آن نسل و همه حرکاتش متوقف شده و از آغاز جدید با کمی از گذشته قاطی شده است. به‌رحال ما تعصب داشتیم برای اینکه نمایش‌های ایرانی را به‌درستی اجرا کنیم و همه کارهای سنگلج با همین هدف رعایت اصالت‌های ایرانی شکل می‌گرفت. بنابراین ما می‌خواستیم بنیان تئاتر ایرانی را بنا کنیم که بشود رویش تئاتری از خودمان را بسازیم. همین تعصب و پافشاری بر انجام کارها باعث ایجاد فضایی ایرانی شد.

✎ این‌روزها تئاتر ما را چگونه می‌بینید؟

الان نوعی وحشت، تئاتر را فرارگرفته و همه مانده‌اند که چه بگویند و چه نگویند. حوادث اخیر هم همه را به‌نوعی ترسانده و امروز انکار قرار نیست زندگی روی صحنه دیده شود. چنانچه نماینده مجلس می‌گوید ایس جاسوس مוסاد بوده، آن‌هم کسی که ۲۰۰ سال پیش زندگی می‌کرده، اینها شده‌اند منتقد و تهیه‌کننده تئاتر به باعث گزراه در این فضا شده‌اند. سال گذشته یادتان هست که به علی نصیریان گفتند چرا در یک نمایش کار کرده‌ای که توقیف شده‌و او هم پاسخ داد که شما مجوز داده‌اید و تصویب کرده‌اید و من بی‌تقصیر هم در آن بازی کرده‌ام. برای همین امسال حاضر نیست بازی کند چون از این برخوردها خوشش نمی‌آید. اینها مسائلی است که تئاتر ما را فرارگرفته و بسیار هم دست‌وپاگیر است.

✎ آیا همچنان قصد دارید تئاتر کار کنید؟

بله. سال گذشته می‌خواست‌م کار کنم و به‌دلیل مریضی نشد اما باید دوباره بخوام چون آدم‌ها و تفکرات و ایده‌ها عوض شده‌اند. امروز فقط نمی‌دانیم با مسائل بفرنج چطور کنار بیاییم. نمی‌شود مسائل اجتماعی را ابراز کرد و برخی خیلی زود به تریج قبیایش برمی‌خورد.

✎ عباس جوانمرد؟

کسی بود که زحمت کشید و عمرش را در تئاتر گذاشت و غیر از تاتر کاری نکرد و مدام هم در این فضا و هوا تنفس کرده است. او از پایه‌گذاران و متعصبان تئاتر ملی است و این امتیاز بزرگی است.

چهره روز

با همراهی ستارگان موسیقی جهان

حافظ ناظری بعد از ۱۵ سال کنسرت می‌دهد

● شرق: حافظ ناظری



بعد از ۱۵ سال با آلبوم «ناگفته» در ایران به اجرای برنامه می‌پردازد، در این اجرا شوالیه آواز ایران استاد شهرام ناظری و ستارگان موسیقی جهان او را همراهی خواهند کرد. در برنامه‌ریزی‌هایی که در شش ماه گذشته انجام شده مقدمات برگزاری این کنسرت و ستارگان عرصه موسیقی فراهم شده و قرار است در نیمه اول شهریورماه، تور کنسرت‌های «ناگفته» از شهر شیراز آغاز شود. ظاهرا به‌دلیل ابعاد جهانی آلبوم «ناگفته» تصمیم بر این شد که اولین اجرای این اثر در شهر تاریخی شیراز باشد. امید می‌رود بلافاصله بعد از این اجرا، تور کنسرت‌های «ناگفته» در تهران و سایر شهرها برگزار شود. پیش‌تر، قرار بود در شهرهای ۲۵ سال گذشته حافظ ناظری این کنسرت را در ایران برگزار کند که در روزهای آخر این اجرا باوجود هماهنگی‌هایی که از قبل انجام شده بود، به‌دلیل صادرنگردن ویزا برای نوازندگان مطرح خارجی این کنسرت لغو شد. اما ظاهرا ناظری جوان با وجود همه این مسائل تصمیم گرفته بار دیگر برای برگزاری کنسرت در ایران تلاش کند تا بتواند علاوه بر مخاطبان خارجی بی‌واسطه با هم‌وطنانش در ایران نیز در ارتباط باشد. حافظ ناظری معتقد است که با وجود همه ریسک‌هایی که برای برگزاری چنین اجرائی وجود دارد، باز هم تن به‌خطر می‌دهد و مقدمات برگزاری این کنسرت را فراهم می‌کند. او در این‌باره می‌گوید: قلب من برای کشورم می‌زند و عاشق مردم ایرانم. در طول تاریخ مورسین‌های مطرح بسیاری در ایران زندگی می‌کردند و به عشق مردم می‌خواندند، به همین جهت خواندن برای مردم ایران را افتخار می‌دانم و معتقدم برای رسیدن به این افتخار اگر ریاضت و سختی بکشید باز هم ارزش دارد و اگر باز هم کنسرتم لغو شود، از خواندن برای مردم کشور صرف‌نظر نمی‌کنم. چون اجرا برای آنها واقعا برایم لذت‌بخش و غرورآمیز است. او در مورد احتمال عدم‌صدور دوباره ویزا برای نوازندگان مطرح خارجی گفت: از شش ماه قبل مقدمات حضور ستارگان مطرح موسیقی را در شاخه کلاسیک در ایران فراهم کردیم و از آنها خواستیم به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که ما بتوانیم در شهریور از حضورشان استفاده کنیم. در این مدت هم اگر چندان در این مورد صحبت نکردیم، به این خاطر بود که دلواپس بودیم این بار هم به سرنوشت سال قبل دچار شویم و در لحظه آخر حضور این افراد دست‌خوش اتفاقاتی نشود. واقعیتی که نمی‌توان نادیده گرفت، این است که ما در زمینه هنر به‌ویژه حوزه موسیقی آن‌طوره‌که باید، در داخل کشور موفق عمل نکردیم که بتوانیم چهره‌های مطرح را برای حضور در ایران و همراهی در کنسرت قانع کنیم و حضور این ستارگان در کنسرت به‌دلیل ارتباط‌های شخصی و علاقه آنها به موسیقی «ناگفته» است، از این جهت اگر بار دیگر حضور این افراد با مانع مواجه شود، برای وجهه کشور ما خوشایند نیست چراکه این افراد از مدت‌ها قبل با برنامه‌ریزی‌های دقیق و حساب‌شده سایر کلاس‌ها و کنسرت‌هایشان را به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کردند که بتوانند به ایران بیایند و در این صورت نمایششان نسبت به کشور ما تغییر می‌کند و جدا از این‌موضوع، مردم ما هم از هنرنمایی این افراد توانا محروم می‌شوند. «ناگفته» آلبوم شماره یک موسیقی کلاسیک جهان برای چند هفته در سال ۲۰۱۴، نخستین آلبوم موسیقی در تاریخ خاورمیانه به‌شمار می‌رود که توانسته دو بار در صدر آثار کلاسیک موسیقی جهان قرار بگیرد. این آلبوم برای اولین‌بار توسط بزرگ‌ترین کمپانی موسیقی جهان «سونی» منتشر و روانه بازار جهانی شده است که توانسته توجه بسیاری از رسانه‌های جهانی را به خود جلب کند. این آلبوم بخش اول «پروژه سمفونی رومی» است و برای ضبط آن بیش از پنج هزار ساعت در استودیوهای چهار کشور مختلف وقت و انرژی صرف شده است. بختی از این مجموعه سال گذشته با عنوان «بعد یازدهم» در ایران منتشر شده بود. در «ناگفته»، برنده‌های ۴۲ جایزه گرمی با حافظ ناظری همکاری کرده‌اند.

تماشاخانه

نمایش «جام حسنلو» در خانه هنرمندان

● شرق: مستند «جام حسنلو»، ساخته محمدرضا اصلانی، در خانه هنرمندان ایران به نمایش در می‌آید.نمایش مستند «جام حسنلو»، ساخته محمدرضا اصلانی، ساعت ۱۷:۳۰ روز دوشنبه، پنجم مرداد به نمایش درمی‌آید. در این برنامه هر دو نسخه این مستند یعنی نسخه سال ۱۳۴۶ که به صورت ۱۶ میلی‌متری تولید شده و نسخه سال ۱۳۹۴ که به صورت رنگی ساخته شده است به نمایش گذاشته می‌شود. نشست نقد و بررسی این مستند نیز با حضور محمدرضا اصلانی و سعید عقیقی برگزار می‌شود.

ادعا کردند که هیچ‌کس به‌درستی نمی‌داند سر مجسمه کجاست و کاوش

در این مورد هزینه زیادی دارد اما یک مستندساز آمریکایی در همان زمان با یکی از روزنامه‌های برلین تماس گرفت و به آنها گفت که می‌داند، مجسمه کجاست. این مرد اهل کالیفرنیا به‌همراه دوست آلمانی خود با بیل، سر مجسمه را از خاک بیرون آورد و لحظاتی از این صحنه را که فیلم‌برداری کرده بود، در سایت یوتیوب منتشر کردند.